



این علوم مخصوص خدا است

۳۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۖ وَآخِشُوا يَوْمًا
لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلَىٰ ذُوهُ جِزَاءَ ۖ وَاللَّهُ شَهِيدًا
بِأَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَغُرُّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرُّكُمْ
بِاللَّهِ الْغُرُورُ .

: ای مردم! از (مخالفت) پروردگار بپرهیزید ، و بترسید
از روزی که پدر برای فرزند و فرزند برای پدر سودی نخواهد داشت
و عده الهی (در باره قیامت) حق و قطعی است زندگی دنیا شمارا فریب
نهدد . (بهوش باشید که) شمارا در راه خدا اغفال نکند .

۳۴ . إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ
مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي
نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ .

: وقت روز رستاخیز را خدا میداند (و هم) او است که باران نازل
میکرداند ، و از آنچه در رحمها است آگاه است هیچ کس نمیداند
فردا چه خواهد کرد ، و کسی نمیداند در چه سرزمینی خواهد مرد
خداوند دانا و خبیر است .

* * *

در آیه نخست و آیه‌های دیگر قیافه هولناک روز رستاخیز چنین ترسیم شده است :
روز رستاخیز روزیست که هر گونه روابط خویشاوندی و علائق دوستی میان افراد از هم
گسسته میشود و هر کس در فکر نجات خود بوده پدر بفکر فرزند و فرزند بفکر پدر نخواهد بود .
وحشت آنروز بحدی است که مادران شیرده از کودکان شیرخوار خود غفلت می‌ورزند و

زنان باردار از اوضاع هولناکیز آنروز سقط جنین نموده و همه مردمرا بهت و وحشت فرا میگيرد (سوره حج آیه ۲).

قیافه سهمگین آنروز آنچنان بشررا مزعوب میسازد که وی از پدر و مادر، از هنسز و فرزند، از برادر و خواهر میگریزد و بفکر نجات خود میباشد (عس-۲۶)

در آنروز حساب، گنهکاران آرزو میکنند که تمام عزیزان خود را از فرزند و همسر و برادر و عشیره و آنچه در روی زمین است فدای خود کنند ولی پذیرفته نمیشود. (المناجیح ۱۱-۱۴).

روی این اوضاع هولناک خداوند دوبار مارا در این آیه هشدار میدهد و میگوید: **فلا تفرحنکم الحیوة الدنیا**: زندگی دنیا شمارا فریب ندهد و میفرماید: **ولایفرحکم بالاله الغرور**: عوامل فریب دهنده از شیطان وهوی وهوس، قدرت و سلطنت، مال و ثروت باعث فراموشی چنین روزی نشود.

اساس سعادت و پایه اصلاحات

اعتقاد بر روز رستاخیز یکی از اهداف ادیان آسمانی است، حوادث جهان و تجربیات متفکران و پایه گذاران مکاتب اخلاقی و اجتماعی، و هوا داران اصلاحات همه جانبه بشری، این مطلب را به ثبوت رسانیده است که تأمین سعادت عمومی، و برقراری صلح جهانی، و خاموش گردیدن نافرمانی های جنگ، و برچیده شدن بساط ظلم و ستم، و گسترش معدلت عمومی، جز در پرتو تحکیم عقیده و ایمان بر روز حساب؛ امکان پذیر نیست.

هیچ برنامه اصلاحی و رژیم اخلاقی و کلیه مکاتب سیاسی و اجتماعی که همگی خواهان برقراری صلح و ترک تعدی و عدالت اجتماعی و فردی است، تا متکی بر پرورش دادن ایمان بر روز حساب نباشد سراپی پیش نیست، و بالاخره دردی را درمان نمیکند.

امروز جهان بشریت با داشتن صدها برنامه جهانی و مکتبهای اصلاحی و اجتماعی به لب پرتگاه کشیده شده، ثبات و آرامش، امنیت و عدالت از مجتمع انسانی رخت بر بسته است و علت مهم آن اینست که عقائد دینی که يك رکن مهم آن اعتقاد بر روز حساب است در بیشتر افراد تحلیل رفته است.

علم بیکران

در آخرین آیه این سوره گوشه ای از علوم انحصاری خداوند بیان شده که هیچ يك از بندگان در این علوم با او شریک نیست، و علم بآنها از خصائص خدا است:

۱- وقت رستاخیز را امیداند چنانکه فرمود: **ان الله عنده علم الساعة**؛ و در آیه

دیگر میفرماید: **قُلْ اِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي لَئِيَجْلِبِهَا لَوْ قَتَرَهَا الْاِلَهُو** (اعراف ۱۸۷) بگو
 علم رستاخیز پیش اوست، و کسی جز او از وقت آن آگاه نیست.

۲ - وقت نزول باران را دقیقاً میدانند، اوست که میدانند در چه لحظه‌ای باران میبارد،
 و در چه لحظه‌ای پایان میپذیرد، و در این دشت و دمن، چه نقطه‌ای از باران بی بهره خواهد
 بود. خلاصه علم به نزول باران، با تمام خصوصیات کیفی و کمی از علوم انحصاری اوست.
 امروز بر اثر پیشرفت علم هواشناسی و علوم دیگر، ابر و باران مصنوعی ایجاد می‌نمایند،
 و پیش آمده‌های جوی را تا مدتی تعیین می‌کنند، ولی - با این همه - پیش بینی‌های آنان تقریبی است،
 و قطعیت ندارد.

امروز اگر چه با اختراع وسائلی مانند گرماسنج و فشار سنج و استقرار ایستگاههای
 هواسنجی و مراکز هوا شناسی در نواحی خشکی و دریائی؛ قسمتی از پیش بینی‌های آنان بطور
 اجمال جامه عمل بخود می‌پوشد ولی هیچگاه به گزارشهای خود قاطع و جازم نبوده و حدسی
 بیش نمیدانند، حتی پیش از پیدایش علم جوشناسی، بشر سابق روی امارات و نشانه‌های
 جوی گاهی نزول برف و باران را پیش بینی میکرد، ولی پا از دایره احتمال و گمان بیرون
 نمیگذاشت.

خلاصه علم به نزول باران با تمام خصوصیات کمی و کیفی پیش از پیدایش امارات و علائم
 جوی از علوم انحصاری اوست.

سید قطب در تفسیر «ظلال» میگوید: هرگز آیه دلالت ندارد، که علم به نزول باران از
 علوم انحصاری خدا است زیرا آیه بگواه جمله **وینزل الغیث**، میگوید: اوست که باران میفرستد
 و این جمله دلالت بر مطلب فوق ندارد، و الا لازم بود بگوید: **ويعلم نزول المطر یعنی نزول**
 باران را میدانند.

ولی سید قطب از یک نکته که در اصطلاح **بأن و وحدة سیاق**، میگویند غفلت ورزیده است
 زیرا موضوع نزول باران در میان چهار موضوع دیگر گفته شده که علم با آنها از علوم انحصاری
 خداوند است و اگر منظور از جمله **وینزل الغیث** همان علم به نزول باران نباشد، گفتن این
 جمله در میان آن چهار موضوع بی‌مناسبت خواهد بود، زیرا اگر نزول باران فعل خدا است،
 همه حوادث جهانی نیز از او سر چشمه میگیرد، چرا از میان آنها فقط اختصاص فرستادن باران را بخود،
 متذکر شده است در صورتیکه او مبدء همه افعال است.

۳ - اوست که میدانند در رحما چیست، او از سعادت و شقاوت و سرنوشت جنین و از پسر و
 دختر بودن آن آگاهی دارد، حتی آن روزی که جنین بصورت تک سلولی است، میدانند که پسر
 است یا دختر، سعادت مند است، یا بدبخت.

بشر با آنهمه پیشرفت‌هایی که در زمینه «جنین‌شناسی» پیدا کرده ولی هنوز شناسائی

جنین از نظر پسر و دختر بودن از رازهای نهفته است، که علم بر آنهادست نیافته است، و اگر گاه بیگانه‌ای روی امارات و علائمی پیش بینی‌هایی میشود، تمام جنبه خیالی و گمانی داشته و جنبه قطعی ندارد. علاوه جمله **و یعلم مافی الارحام** نه تنها علم به پسر و دختر بودن را از علوم انحصاری شمرده بلکه علم به کلیه شئون جنین را از خصائص الهی نام برده است.

۴ - کسی از آینده خود اطلاعی ندارد.

۵ - هیچ کس نمیداند در چه سرزمینی خواهد مرد.

آیا پیامبر و یا امام میتوانند از آینده و نقطه مرگ کسی خبر دهند؟

با اینکه این دو قسمت مانند قسمتهای دیگر از علوم انحصاری خداوندی است، ولی گاهی پیامبران و امامان از سر نوشت دسته‌ای و محل مرگ عده‌ای خبر داده، و صورت اخبار غیبی در کتابها ضبط گردیده است.

مثلا حضرت نوح (ع) از اوضاع آینده قوم خود بطور جزم خبر داده و بدر گاه خداوند

چنین میگوید: **رَبِّ لَا تَذَرْنَا عَلَى الْأَرْضِ مِّنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ**

عِبَادُكُمْ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا الْفَاجِرَاتُ (سوره نوح - ۲۶ و ۲۷)

پروردگارا کسی را از کافران زنده نگذار، زیرا در اینصورت بندگان تو را گمراه کرده و جز افراد بدکار و کفر پیشه تولید نمیکنند.

این رهبر عالیقدر نه تنها از آینده قوم خود خبر داده بلکه از اوضاع فرزندان آنها نیز

بطور غیب خبر داده است.

محدثان عالیقدر از سنی و شیعه اخبار غیبی زیادی از پیامبر اکرم و ائمه هدی نقل و تدوین

نموده‌اند، که برخی از آنها مربوط بوضع آینده انسانها و محل مرگ آنها است. مع الوصف

نه گزارش نوح با انحصاری بودن اینگونه علوم بخداوند منافی است، و نه اخبار غیبی که از

رهبران اسلام نقل شده، با آیه مورد بحث کوچکترین منافات دارد.

زیرا علم با اوضاع آینده بندگان و با علم به محل مرگ آنها بطوریکه علم عین ذات عالم، آن

هم بطور نامحدود و بی پایان، باشد از علوم انحصاری خداوند است، ولی هیچ منافات ندارد که

همین عالم گاهی بندگان مخصوص خود را به یک سلسله از مطالب غیبی از سر نوشت یک فرد، و محل

فوت یک شخص مطلع سازد. و این دو علم با هم فرق فاحشی دارند علم خداوند بر امور غیبی ذاتی و

لدنی است و اکتسابی نیست، در صورتی که علوم انبیاء امامان در تمام قسمتها، و بالاخص

در اخبارات غیبی، عرضی و محدود و اکتسابی است، یعنی این علوم را از فرشته وحی و یا از طرق

دیگر غیر عادی آموخته‌اند.

آن قسمت از علوم در انحصار الهی است، که بطور ذاتی و نامحدود باشد، و آنچه در اختیار

انبیاء و امامان است، علمی است محدود، آنها هم بطور اخذ و کسب از مریانی که خداوند بر

آنها تعیین نموده است.